

با اسیران جنگی، پیمان مربوط به ضرورت امنیت هوانوردی، پیمان مربوط به امنیت دریایا و دهها نمونه دیگر از پیمانها، مقررات و قوانین معتبر بین المللی در خلال جنگ تحمیلی از سوی عراقی‌ها زیر پا گذاشته شد.

بغداد در خلال جنگ تحمیلی از شبکه‌های بمب گذار در داخل کشور و در رأس آنها از سازمان مجاهدین خلق (منافقین) حمایت کرد، منافقین که در فرانسه و بعد در عراق مستقر شدند با سکوت یا حمایت دولتهای میزبان، بسیاری از اقدامات تروریستی علیه مسئولان و افراد عادی کوچه و بازار ایران را در خلال جنگ تحمیلی هدایت کردند.

ترور مردم عامی و مسئولان نظام در پاریس و بغداد، طراحی و برنامه ریزی می شد و در شهرهای مختلف ایران به اجرا در می آمد چراکه در هفتم تیر و شهادت آیت الله بهشتی و ۷۲ مسوول، هشتم شهریور و شهادت رئیس جمهور، رجایی و نخست وزیر، باهنر، شهادت امامان جمعه، ترور مستمر مردم عادی از قبیل کاسب، دانش آموز و روحانی از جمله اقدامات تروریست‌های داخلی تحت الحمایه دولت عراق در خلال هشت سال جنگ تحمیلی بود.

علاوه بر این ابعاد جنگ فقط در مرزها و یا در داخل شهرها به صورت ترورهای روزمره خلاصه نمی شد، بلکه خانه‌های مسکونی مردم و مدارس کودکان بی دفاع در بسیاری از شهرهای ایران آماج حملات موشکی عراقی‌ها بود و تلفات هزاران تن از هموطنان عزیزمان در جنگ ناشی از همین گونه حملات بود.

حمایتهای جهانی از جنایات صدام

عراق در خلال جنگ تحمیلی از حمایت بی دریغ تسلیحاتی، مالی و سیاسی بین المللی برخوردار بود، فرانسه، شوروی، انگلستان و چین در صدر صادرکنندگان اسلحه مورد نیاز عراق قرار داشتند، آلمان تأمین کننده عمده جنگ افزارهای شیمیایی عراق بود و دولتهای عرب حوزه خلیج فارس تأمین کننده عمده نیازهای نفتی، مالی و ترابری عراق بودند.

دولت عراق در ۱۳۵۸ حدود ۱۲ میلیارد دلار صرف خرید تسلیحات کرد و توانست در خرید جنگ افزار از عربستان سعودی سبقت گیرد.

عراق در سال ۱۳۶۱، ۴۰ درصد درآمدهای داخلی خود را صرف خرید جنگ افزار از آمریکا، انگلیس، فرانسه و روسیه کرد و همچنین هزینه ای که عراق در دهه ۱۳۶۰ صرف خرید سلاح از آمریکا و اروپا کرد از هزینه تسلیحاتی کشورهای صنعتی اروپای غربی در همین

دهه بیشتر بود و در این دهه عراق، ۲ برابر آلمان غربی بودجه نظامی داشت. بسیاری از این سلاحها در شرایطی به عراق سرازیر می شد که این کشور پولی برای خرید آنها نداشت و خود را همه ساله به فروشندگان خود مقروض می ساخت و بسیاری از واردات نظامی نیز با صادرات نفتی پاسخ داده می شد.

آمارهای رسمی نشان می دهد که شوروی، فرانسه و چین - سه عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل - به ترتیب در صدر کشورهای صادرکننده سلاح به عراق در دهه ۱۳۶۰ شمسی بوده اند.

در طول این دهه، ۵۳ درصد واردات نظامی عراق به ارزش تقریبی ۱۳ میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار از شوروی تأمین می شد و فرانسوی‌ها نیز با فروش بیش از پنج میلیارد دلار سلاح به عراق در دهه ۱۳۶۰ مجموعاً ۲۰ درصد واردات نظامی عراق را به خود اختصاص دادند

که این رقم در مورد چین نیز به هفت درصد یعنی به بیش از یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار بالغ می شد. این روند باعث شد که حکومت بعث نه تنها به پیشرفته ترین تجهیزات نظامی در زمینه‌های جنگ هوایی و زمینی دست یابد، که کارخانجات جنگ افزار سازی متعددی با همکاری کشورهای مختلف به صورت آشکار و نهان برپا ساخت، به طوری که عراق طبق گزارش مؤسسات بین المللی در پایان جنگ، پنجمین قدرت نظامی جهان شد.

آمریکایی‌ها نیز در این جنگ، سهم خود را در یاری رساندن به ماشین جنگی صدام و دشمنی با جمهوری اسلامی ایران ایفا کردند که در اسفند ۱۳۶۰، نام عراق از فهرست کشورهای که واشنگتن از آنها به عنوان "طرفداران تروریسم" یاد



می کرد خارج شد و در آذر ۱۳۶۳، آمریکا به تحریم سیاسی عراق خاتمه داد و روابط سیاسی با این کشور را برقرار کرد.

آمریکایی‌ها در موارد متعددی هماهنگ با صدام و به طور مستقیم وارد جنگ علیه جمهوری اسلامی ایران شدند، حمله به پایانه‌ها و چاه‌های نفتی ایران در خلیج فارس و ساقط کردن هواپیمای مسافری ایرباس ایران بر فراز این منطقه و کشتار ۳۰۰ مسافر بیگناه و خدمه آن، ۲ نمونه از این حملات بود.

این حوادث در حالی رخ می داد که ایران مورد تحریم تسلیحاتی قرار داشت و این تحریم با شدت اعمال می شد.

شورای همکاری خلیج فارس که در ۱۳۵۹ به بهانه همکاری‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی ۶ کشور امارات متحده عربی، بحرین، قطر، کویت، عربستان سعودی و عمان به وجود آمد و عملاً کانونی برای گردآوری دلارهای نفتی منطقه و انتقال آن به بغداد برای تقویت بنیه نظامی عراق شده بود.

هنگامی که جنگ به پایان رسید، تنها مطالبات نقدی ۶ کشور عضو این شورا از عراق از مرز ۸۰ میلیارد دلار گذشته بود که این غیر از میلیاردها دلار نفتی بود که دولتهای منطقه به ویژه کویت و عربستان از پایانه‌ها و پایانه‌های خود به حساب عراق به شرکتها و کمپانی‌های نفتی غرب فروخته بودند.

شیخ نشین‌های عرب منطقه به مدت یک دهه به مثابه دولتهای دست نشانده بغداد عمل می کردند؛ عراقی‌ها دائماً از آنها متوقع بودند و برای جنگ و اقدامات نظامی خود بر سر آنان منت می گذاشتند و رژیم‌های عرب نیز سپاسگزار بعضی‌ها، دلارهای نفتی شان را برای حاکمان بغداد ارسال می کردند.

صدام، هنگامی که در تابستان ۱۳۶۹، طرح حمله گسترده به کویت را آماده می کرد، کمترین بهایی برای واکنش احتمالی عربستان و سایر شیوخ شورای همکاری قائل نبود و دولتهای عرب حوزه خلیج فارس در آن سال در حقیقت پاداش سیاست ۱۰ ساله خود را در دفاع یکجانبه از صدام دریافت کردند.

ناکامی صدام در دستیابی به اهدافش

ایمان و اعتقاد راسخ رزمندگان ایران به حقانیت انقلاب اسلامی و موج عظیم مردمی که در قالب " بسیج " برای دفاع از کیان نظام جمهوری اسلامی ایران طی هشت سال، دایماً حضور خود را در جبهه حفظ کردند، بزرگترین سرمایه انقلاب و نظام بود و مهم ترین نقش را در توقف ماشین جنگی عراق بر عهده داشت.

در بررسی عوامل شکست عراق در دستیابی به اهداف اعلام شده اش، علاوه بر ایمان و اعتقاد رزمندگان ایرانی، عوامل دیگر از قبیل ناامیدی حامیان صدام از سقوط جمهوری اسلامی، مردمی شدن جنگ و سرانجام پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از جانب ایران نیز بی تاثیر نبود که نتیجه آن شد عراقی‌ها، هشت سال پس از شروع جنگ در همان نقطه اولیه آغاز قرار داشتند.

خاویر پرزدکوئه یار، دبیر کل وقت سازمان ملل نیز در خاتمه جنگ با انتشار بیانیه‌ای رسماً از عراق به عنوان "شروع کننده جنگ" نام برد که این بیانیه نیز سندی از مجموعه اسناد حقانیت جمهوری اسلامی ایران در جنگ بود.

در خلال این جنگ هیأت‌های متعدد صلح از سوی سازمان ملل، سازمان کنفرانس اسلامی، اتحادیه عرب و جنبش عدم تعهد برای میانجی گیری به تهران و بغداد سفر کردند که غالباً دآوری آنها به دلیل آن که فاقد اصل بی طرفی و گاهی عاری از عدالت و صداقت بود به نتیجه ای نرسید. قطعنامه‌های منتشره از سوی شورای امنیت سازمان ملل نیز به استثنای قطعنامه هفتم، (قطعنامه ۵۹۸) که در تیر ۱۳۶۶ به تصویب رسید، غالباً جانب انصاف و عدالت را رعایت نکرده بود.

قطعنامه ۵۹۸ نیز عاری از اشکال نبود اما نسبت به سایر قطعنامه‌های منتشره، مواضع بیطرفانه تری داشت و جمهوری اسلامی ایران با وجود بی میلی اولیه، سرانجام در تیر ۱۳۶۷ آن را رسماً پذیرفت و روز ۲۹ مرداد ۱۳۶۷ از سوی سازمان ملل آتش بس اعلام شد و به تدریج آتش جنگ در جبهه‌ها خاموش شد.

قسمتی از پیام امام خمینی (ره) راجع به قطعنامه ۵۹۸ و شرایط سیاسی آن روز چنین است: من با توجه به نظر تمام کارشناسان سیاسی و نظامی سطح بالای کشور که به تعهد و دلسوزی و صداقت آنان اعتماد دارم با قبول قطعنامه و آتش بس موافقت نمودم و در مقطع کنونی آن را به مصلحت انقلاب و نظام می دانم و خدا می داند که اگر نبود انگیزه ای که همه ما و عزت و اعتبار ما باید در مسیر مصلحت اسلام و مسلمین قربانی شود، هرگز راضی به این عمل نمی بودم و مرگ و شهادت برایم گوارتر بود.

خوشا به حال شما ملت، خوشا به حال شما زنان و مردان، خوشا به حال جانبازان و اسرا و مفقودین و خانواده‌های معظم شهدا و بدا به حال من که هنوز مانده ام و جام زهر آلود قبول قطعنامه را سرکشیده ام و در برابر عظمت و فداکاری این ملت بزرگ احساس شرمساری می کنم و بدا به حال آنان که در این قافله نبودند، بدا به حال آنهایی که از کنار این معرکه بزرگ جنگ و شهادت و امتحان عظیم الهی تا به حال ساکت، بی تفاوت و یا انتقاد کننده و پرخاشگر گذشتند.

به این ترتیب جنگی که در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ توسط همه ظالمان جهان و به دست صدام بعثی به جمهوری اسلامی ایران تحمیل شد، بدون دستیابی آنان به اهدافشان در تابستان ۱۳۶۷ به پایان رسید که این هشت سال دفاع مقدس آزمونی برای سنجش ایمان، اعتقاد، مردانگی، ایثار، شهادت و شجاعت جوانان و رزمندگان جان برکف این سرزمین پرگهر بود تا برای همیشه در تاریخ بشریت و اسلام ثبت شود.